

# بازدارندگی دفاعی جدید جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۶/۲۲

رضا مومن زاده<sup>۱</sup>

## چکیده

امروزه ماهیت و مکانیزم تهدید نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل رفتار هوشمندانه‌ای که از سوی دشمن صورت می‌گیرد نسبت به گذشته بسیار متفاوت شده است. در این راستا، به نظر می‌رسد دشمن با گسترده‌تر کردن موضوعات و ابعاد تهدید، مجموعه‌ای از تهدیدها را در چارچوب «تهدید مرکب» تولید نموده و با پیوند زدن آنها با مولفه‌های داخلی، مکانیزم هوشمندانه‌ای را از طریق «تجمیع تهدیدها» علیه جمهوری اسلامی ایران فعال نموده است.

کارشناسان معتقدند، دشمن متمرکز بر حداقل شش گزینه تحریم، عملیات اطلاعاتی، تهدید نظامی، مذاکره و دیپلماسی، عملیات روانی و تأثیرگذاری بر سیاست داخلی ایران در مقابل جمهوری اسلامی ایران رفتار می‌کند.

در مقابل، به نظر می‌رسد بازدارندگی دفاعی جدید ایران نوعی پاسخ به تهدیدات جدید می‌باشد که بر اساس اصل راهبردی «پاسخ به تهدید از طریق تولید قدرت» طراحی و اعمال می‌شود. در این مقاله تلاش می‌کنیم با بررسی تهدیدهای مطرح علیه ایران، درک مفهوم بازدارندگی دفاعی جدید کشور که عبارت است از راهبرد پاسخ به تهدید از طریق تولید قدرت تبیین کنیم.

**کلید واژه‌ها:** بازدارندگی دفاعی، تهدید نظامی، جمهوری اسلامی ایران، استراتژی دفاعی

تهدیدات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید از کیفیت متفاوتی نسبت به دو دهه گذشته برخوردار شده‌اند. بنابراین به همان میزان نیز نحوه اعمال قدرت بازدارندگی دفاعی کشور در مقابل این تهدیدات متفاوت شده است.

البته در مورد احتمال این که تهدیدات نظامی تا چه حد می‌توانند به صورت بالفعل درآیند، دیدگاه‌های مختلفی مطرح می‌شود؛ به طوری که برخی معتقدند تحمیل یک جنگ در هر سطحی (محدود یا نامحدود) به ایران در شرایط کنونی اساساً امکان‌پذیر نیست. در مقابل، برخی کارشناسان بر این باورند با توجه به تغییرات ایجاد شده در سناریوهای جنگی، احتمال دست زدن دشمن به یک اقدام خارق‌العاده نظامی که در آن الزاماً مفاهیم سنتی شکست یا پیروزی دنبال نمی‌شود وجود دارد.

بدون تردید، بیان استدلال‌های لازم برای پذیرش یا عدم پذیرش هر کدام از دو دیدگاه مزبور نیازمند تأمل و تفکر در مفهوم «عقلانیت جنگ» است؛ بدین معنی که جنگ یک پدیده اجتماعی است و عاملان آن بر پایه محاسبه عقلانی در مورد آن تصمیم می‌گیرند. بنابراین پیش‌بینی جنگ نیازمند شناخت سازوکارها و شرایط جدیدی است که بر این مسأله تأثیرگذارند.

در این راستا، کارشناسان معتقدند ماهیت و مکانیزم تهدید نظامی به دلیل رفتار هوشمندانه‌ای که از سوی دشمن صورت می‌گیرد نسبت به گذشته بسیار متفاوت می‌باشد. به همین دلیل پرسش اساسی که مورد توجه این مقاله می‌باشد این است که تهدید نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران چگونه عمل می‌کند و بازدارندگی جدید جمهوری اسلامی ایران در مقابل آن باید چگونه باشد؟

فرضیه‌ای که در این چارچوب مورد توجه می‌باشد این است که به نظر می‌رسد دشمن با گسترده‌تر کردن موضوعات و ابعاد تهدید، مجموعه‌ای از تهدیدها را در



چارچوب «تهدید مرکب» تولید نموده و با پیوند زدن آنها با مولفه‌های داخلی، مکانیزم هوشمندانه‌ای را از طریق «تجمیع تهدیدها» علیه جمهوری اسلامی ایران فعال نموده است. در این راستا به نظر می‌رسد بازدارندگی دفاعی جدید ایران نوعی پاسخ به تهدیدات جدید می‌باشد که بر اساس اصل راهبردی «پاسخ به تهدید از طریق تولید قدرت» طراحی و اعمال می‌شود.

## ۱. تعریف مفاهیم

### ۱/۱. تهدید نظامی

مفهوم تهدید عبارت است از قابلیت‌ها، نیت و گاه اقدام دشمنان بالقوه و بالفعل برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علائق و مقاصد امنیت ملی به نحوی که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور به خطر افتد. تهدید ممکن است اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و یا تهدید نرم، نیمه سخت و سخت بوده و از نوع خارجی یا داخلی باشد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۷۶).

از مجموع دیدگاه‌ها و مطالعات امنیت‌پژوهان مدرن و نرم‌افزارگرا چنین استنباط می‌شود که اولاً خاستگاه تهدیدات امنیت ملی، اغلب داخلی است. این بدین معنی است که تهدیدات فقط واجد ریشه‌های خارجی نیست، بلکه تهدیدات، چند بعدی تصور می‌شوند ثانیاً تهدیدات چند بعدی امنیتی، فقط با سخت‌افزار نظامی قابل رفع نیست (کریمی مله، ۱۳۸۹: ۹۴) و نهایت این که تعریف تهدید و احیای مصادیق و سنجش وضعیت آن، مشمول ناهمگونی، نسبیّت، سیالیت، زمینه‌محوری و ذهنیت‌پروردگی می‌شود.

### ۱/۲. استراتژی دفاعی

در سلسله مراتب مفهومی، استراتژی را طرح و برنامه جامع برای رسیدن به هدفی خاص تعریف می‌نمایند (صائبی، ۱۳۷۶: ۱۲). بر این اساس، تدوین



هرگونه استراتژی باید در راستای اهدافی مشخص و مبتنی بر سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اساسی صورت گیرد (بوفر، ۱۳۶۳: ۱۵۰).

استراتژی ملی عبارت است از: "هنر، فن و علم به کار بردن قدرت ملی برای دستیابی به مقاصد و منافع ملی در تمام شرایط و در زمان جنگ و صلح." (تاجیک، ۱۳۸۱: ۱۸).

استراتژی دفاعی یکی از ارکان مهم و زیر مجموعه استراتژی ملی یک کشور است و در ذیل سیاست‌های کلان دفاعی و امنیتی قرار می‌گیرد. از این رو می‌توان استراتژی دفاعی را علم و هنر بکارگیری همه قدرت کشور در جهت مقابله با تهدید یا تهدیدات امنیت ملی دانست (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

### ۱/۳. بازدارندگی دفاعی

مفهوم بازدارندگی و کاربرد آن سابقه‌ای طولانی در هنر جنگ دارد؛ چرا که عبارت است از مجموعه اقداماتی که برای پیشگیری از اقدامات خصمانه صورت می‌گیرد. با این وجود پیدایش نظری این مفهوم، محصول وقوع شرایطی است که پس از جنگ جهانی دوم در نظام بین‌الملل به وجود آمد (کالینز، ۱۳۷۳: ۷۵). مبنای تئوری بازدارندگی این است که تا زمانی که رژیم امنیت دسته‌جمعی در جهان ایجاد نشده و اصول حاکم بر نظام بین‌الملل توأم با هرج و مرج است، اصل خودیاری و دفاع از خود، مهم‌ترین اقدام امنیتی خواهد بود.

عناصر اصلی بازدارندگی دفاعی عبارتند از: ۱. شرایط عینی، به معنی داشتن سطحی از توان و قدرت نظامی قابل توجه به عنوان ضمانت اجرایی تهدید، ۲. شرایط ذهنی، به معنی اقناع ذهنی طرف مقابل مبنی بر آمادگی برای محقق ساختن تهدید، ۳. مبادله اطلاعات که باعث افزایش سطح آگاهی دو طرف از یکدیگر می‌شود، ۴. عقلانیت طرفین، به معنی حاکم بودن اصل هزینه - فایده است؛ و ۵. عدم ورود به جنگ.



جمهوری اسلامی ایران از زمان پایان جنگ تحمیلی و پس از وقوع جنگ‌های بزرگ در محیط پیرامونی خود، نسبت به مفهوم جنگ آینده و نظریه‌پردازی در این خصوص حساسیت نشان داد. به خصوص اینکه ایران کماکان تهدید اصلی خود را آمریکا می‌داند و در جنگ‌های دو دهه اخیر همواره آمریکایی‌ها یک طرف صحنه بوده‌اند. به همین دلیل، نوع رویکرد کشور به مفهوم جنگ آینده نقش به‌سزایی در جهت‌گیری‌های کلان دفاعی و امنیتی خواهد داشت. با این تأکید که روندهای آینده نامعلوم و نامطمئن و در عین حال، استتاج تهدید مشخص و عینی امری کاملاً دشوار است.

جنگ‌های آینده را از جنبه‌های مختلف تعریف می‌کنند که یکی از این جنبه‌ها، فناوری پیشرفته تسلیحاتی می‌باشد. این فناوری تسلیحاتی در چهار دسته فناوری‌های اطلاعاتی، نرم‌افزاری، سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح‌های متعارف قابل شناسایی است.

همچنین جنگ‌های آینده را از جنبه راهبردهای نظامی مورد استفاده دارای ویژگی‌هایی از جمله: انعطاف‌پذیری، گسترده شدن میادین نبرد، درهم آمیختگی سطوح سه‌گانه تاکتیک، عملیات و راهبرد، بهره‌گیری فراوان از عنصر اطلاعات و ضد اطلاعات، آمادگی جهت رویارویی با نبردهای نامتقارن، پیش‌بینی سازوکار مناسب برای انطباق سیستم‌های پیشرفته تسلیحاتی با محیط‌های ناشناخته از طریق کسب زمان، توجه و تأکید بر نیروهای ویژه، توجه بیش از پیش به رسانه‌های گروهی، اولویت دادن به جنگ‌های هوایی و موشکی می‌دانند (درویشی، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۴).

در عین حال، ویژگی‌های جنگ آینده از منظر عملیاتی نیز عبارت است از: ناهمگون بودن در فناوری، تاکتیک و راهبرد؛ کوتاه بودن زمان درگیری؛ وسیع بودن منطقه نبرد؛ سرعت و شدت عمل زیاد؛ انطباق سطوح تاکتیکی، عملیاتی و راهبرد؛ چرخش سریع اطلاعات؛ استفاده از افکار عمومی؛ قدرت، دقت و



هوشمندی بالای تسلیحات؛ استفاده از فناوری‌های پیچیده و مدرن برای اداره جنگ؛ غیرتناوبی بودن جنگ؛ ائتلافی بودن؛ و اجرای عملیات روانی مستمر (سلامی، ۱۳۸۳: ۲۲ و ۲۳).

بنابراین می‌توان برای مفهوم جنگ آینده، جمع بندی زیر را داشت:

۱. جنگ، یک مفهوم عقلانی است (Duyvesteyn, 2005: 54)،
۲. جنگ در نهایت یک تلاش انسانی است (Lewis, 2007: 457)،
۳. انقلاب در امور نظامی به معنی تحول در شیوه‌های تفکر جنگ است (رامسفلد، ۱۳۸۱: ۷۱)،
۴. جنگ آینده تابع روندها نیست (امینیان، ۱۳۷۹: ۲۳)،
۵. موثرترین راهبرد در جنگ‌های کنونی، طراحی راهبردهای نتیجه‌گراست (Toft, 2005: 25)؛ و
۶. پیروزی نظامی از اصالت بیشتری نسبت به پیامدهای سیاسی برخوردار نیست.

جوزف نای نظریه قدرت نرم را در زمانی ارائه کرد که انتقادات آشکاری نسبت به الگوی جنگی بکار گرفته شده از سوی آمریکا در جنگ ۲۰۰۳ علیه عراق از سوی کارشناسان مطرح گردید. از دیدگاه نای، قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب آن چه که می‌خواهید از طریق جذب کردن و شکل دادن به اولویت‌های دیگران نه از طریق اجبار و یا پاداش (Nye, 2004: 5-8). بنابراین، نظریه قدرت نرم جوزف نای در تأیید این نکته است که پیروزی دیگر ماهیت سخت‌افزاری ندارد، بلکه نشانه‌هایی از مطلوبیت نرم‌افزاری را شامل می‌شود. بدین ترتیب، کشوری که قدرت نظامی را بکار می‌گیرد، باید قابلیت لازم برای ادامه جنگ را نیز داشته باشد. به همین دلیل است که جنگ‌ها بیش از آنکه ماهیت نظامی و عملیاتی داشته باشند، دارای شاخص‌های سیاسی هستند (Buley, 2009: 56).



## ۱/۵. جنگ ناهمگون

از نظر لغوی برای ناهمگونی، تعاریفی چون نبود تقارن، آرایش ناموزون در هر طرف یک نقطه یا خط مرکزی (فرضی) بکار برده می‌شود. تقارن بر وزن تفاعل بوده و به معنی «قرین شدن با یکدیگر» و «با هم قرین شدن» می‌باشد. به عبارتی، «ناهمگونی راهبردی» یعنی بهره جستن از نوعی تفاوت که به غلبه بر دشمن منجر می‌شود. این ایده سابقه‌ای به قدمت جنگ دارد (دانیالی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). برخی هم ناهمگونی را بدعت تاکتیکی و سطح پایین یا یک مشی راهبردی بدیع می‌دانند (آنکر و دی بورک، ۱۳۸۳: ۲۷).

تعاریف مختلفی از جنگ ناهمگون صورت گرفته، اما در همه این تعاریف می‌توان ویژگی‌های این نوع جنگ را در موضوعاتی چون: تمرکز بر نقاط ضعف دشمن، استفاده از شیوه‌های غیر متعارف، بهره‌گیری از فناوری‌های غیر قابل انتظار، تضعیف نقاط قوت دشمن، استفاده از روش‌های غیر هم زمان، عملیات‌های ناگهانی، پرهیز از دستیابی به اهداف متداول نظامی و ... برشمرد (دانیالی، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۷۲).

## ۲. ماهیت‌شناسی تهدیدات

به نظر می‌رسد تهدیدات در دو نوع «سخت» و «نرم» علیه جمهوری اسلامی ایران در دوره کنونی در اشکال و سطوح مختلف و جدیدی در حال اجرا می‌باشند.

برخی دلایل این موضوع عبارتند از:

- گزینه تهدید سخت (نظامی) در سطح مواضع علنی و رسمی مقامات آمریکایی و صهیونیستی و حتی در مواضع برخی مقامات اروپایی هنوز وجود دارد.

- در حوزه تحریم‌ها، آمریکا و غرب بر کیفی‌سازی تحریم‌ها متمرکز شده‌اند. به عبارت دیگر در دوره جدید بر اعمال تحریم‌های هوشمند و موثر با تأکید بر



موضوعاتی مانند حمل و نقل دریایی، مسایل مالی و بانکی و سوخت و انرژی متمرکز شده‌اند.

- در حوزه تهدیدات امنیتی، دشمن روی جریان‌سازی داخلی و فعال کردن چالش‌های قومی با هدف ایجاد موازنه وحشت علیه ایران متمرکز شده است.  
- در جنگ رسانه‌ای، عمده تمرکز غرب بر روی بی‌ثبات‌سازی داخلی می‌باشد.  
- در حوزه منطقه‌ای نیز گزینه ایجاد شکاف در جبهه مقاومت و حتی حمله به بخشی از جبهه مقاومت (سوریه) در دستور کار قرار دارد. ضمن اینکه در حوزه‌های دیگر مانند عراق و افغانستان به شدت دنبال تهي کردن ظرفیت‌های منطقه‌ای ایران هستند.

در خصوص ماهیت تهدیداتی که علیه کشور مطرح است می‌بایست کیفیت، ابعاد و سطوح تهدیدات و نیز سناریوهای احتمالی را مورد بررسی قرار داد که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد:



۱۵۴

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲

## ۲/۱) کیفیت، ابعاد و سطح تهدید

در این راستا توجه به دو مولفه «تصور تهدید» و «میزان قدرت تهدید» از اهمیت خاصی برخوردار است.

### ۲-۱-۱. تصور تهدید

بررسی اسناد راهبردی جدید ایالات متحده آمریکا برای شناخت و فهم میزان تصور دشمن از تهدید ایران بسیار حائز اهمیت است، از این‌رو در ادامه برخی از این اسناد را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### الف: سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۰ آمریکا

سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۰ آمریکا، در مورد ایران می‌گوید: «ایران برای دهه‌های متعدد، امنیت منطقه و آمریکا را تهدید کرده و نتوانسته است به تعهدات



و مسئولیت‌های بین‌المللی خود عمل کند. افزون بر برنامه هسته‌ای نامشروع و قاچاق، به حمایت از تروریسم و تهدید صلح فلسطین- اسرائیل (رژیم صهیونیستی) ادامه می‌دهد و حقوق جهانی ملتش را انکار می‌کند. سال‌ها برخورد با ایران موجب بازگشت و چرخش در این روند نشد. برعکس، رفتار ایران تهدیدکننده‌تر شد. گاه مشارکت و همگرایی بدون اضمحلال است. شاید این راهی برای رهبران ایران باشد تا اعتماد جامعه بین‌المللی را اعاده نمایند و جای مناسبی در جامعه بین‌المللی بیابند و از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی که ملتشان را از آنها محروم کرده‌اند، بهره‌مند شوند. هر چه ایران بر عدم اجرای تعهدات بین‌المللی اش اصرار ورزد، منزوی‌تر می‌شود.»

#### ب: سند برنامه چهارساله دفاعی ۲۰۱۰ (QDR)

در سند مزبور نیز ایران به عنوان تهدید دفاعی آمریکا در محورهای زیر معرفی شده است:

۱. کره شمالی و ایران به عنوان بخشی از بی‌توجهی به هنجارهای بین‌المللی، به صورت فعال در حال آزمایش و تولید سامانه‌های موشکی بالستیک هستند که بسیاری از آنها نه تنها دقیق‌تر از موشک‌های اسکاد مورد استفاده عراق در جنگ ۱۹۹۱ هستند، بلکه در آنها خلاقیت و نوآوری نیز صورت گرفته است.
۲. بازیگران غیردولتی همانند حزب‌الله موشک‌های زمین به هوا و سامانه‌های دفاع ضد هوایی قابل حمل را از ایران به دست آورده‌اند.
۳. فعالیت‌های گسترده ایران در عملیاتی کردن استفاده از شمار گسترده‌ای از قایق‌های تندرو با هدف از بین بردن لایه‌های دفاعی ناوگان دریایی آمریکا و سایر کشورها، تهدید جدیدی برای نیروی دریایی این کشور تلقی شده است.
۴. در مورد فعالیت‌ها و انگیزه هسته‌ای ایران، نگرانی جدی وجود دارد.
۵. باید از وارد شدن به جنگ در مناطق راهبردی نظیر درگیری با ایران و کره شمالی پرهیز نماییم.»



### ج: سند مرور دفاع موشکی بالستیک (NPR)

- در این سند، ایران و کره شمالی بر مبنای داشتن توان موشکی بالستیک و ادامه تولید و توسعه موشک‌های دور برد، عامل تهدید امنیت ملی آمریکا معرفی شده و در این راستا، محیط هدف‌گیری این موشک‌ها، نیروهای آمریکایی در کشورهای دیگر و همچنین متحدین و شرکای این کشور عنوان شده است. در این خصوص، حمله موشکی ایران به رژیم صهیونیستی و منافع آمریکا در کل منطقه خاورمیانه و اروپای شرقی مورد تأکید قرار گرفته است.

- شیوه مقابله با تهدیدات فوق در سند مرور دفاع موشکی بالستیک، بازدارندگی از طریق تهدید به تهاجم قاطع و همچنین بازدارندگی منطقه‌ای معطوف به سامانه دفاع موشکی است.

- مجاری اقدام آمریکا در مقابله با توان موشکی ایران عبارتند از: مجاری ملی، مجاری فراملی، محدودسازی با دستاویز تروریسم.

### د: استراتژی نظامی جدید آمریکا (مارس ۲۰۱۱)

در بخش مربوط به ایران، این سند سه حوزه سلاح‌های کشتار جمعی به ویژه تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، حمایت ایران از تروریسم و معرفی ایران به عنوان تهدید جدی در منطقه خاورمیانه را مورد توجه قرار می‌دهد.

بنابراین همان گونه که ملاحظه می‌شود، راهبردهای آمریکا که حول محور راهبرد امنیت ملی این کشور تجمیع شده و به پردازش تخصصی امور دفاعی و امنیتی مبادرت نموده‌اند، تهدیدها و چالش‌آفرینی برای کشورهای مخالف آنها از جمله جمهوری اسلامی ایران را هم‌چنان پایدار و پابرجا نموده، بلکه حتی این جریان را با بازسازماندهی عناصر قدرت ملی و افزودن عنصر قدرت نرم، تشدید کرده‌اند.



با توجه به مولفه‌های مهم تأثیرگذار در میزان قدرت بازدارندگی نظامی آمریکا در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به نظر می‌رسد عمده‌ترین شاخص‌هایی که می‌توان بر اساس آن این مسأله را مورد ارزیابی قرار داد عبارتند از: اوضاع داخلی آمریکا و تأثیر آن بر توان دفاعی و نظامی این کشور؛ راهبردهای امنیتی و نظامی جدید آمریکا و اولویت آسیای غربی در این راهبردها؛ موفقیت آمریکا در تحقق جنگ علیه تروریسم به ویژه اولویت اول تهدید آن یعنی القاعده؛ دستاوردها و تجربیات دو جنگ در افغانستان و عراق؛ میزان توان آمریکا در تحقق صلح خاورمیانه؛ میزان همراهی هم‌پیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا؛ راهبرد جدید نظامی آمریکا در منطقه مبتنی بر جنگ نیابتی؛ وضعیت دیپلماسی عمومی آمریکا در منطقه به ویژه پس از بیداری اسلامی؛ موضوع پرونده هسته‌ای ایران؛ تجربه تهدید نظامی علیه سوریه.

در این راستا، مطالعه و بررسی اسناد و شواهد موجود در چارچوب شاخص‌های مزبور بیانگر آن است که در حال حاضر آمریکا از جنبه‌های ملی و بین‌المللی و هم‌چنین در سطح منطقه آسیای غربی در جایگاه مناسبی قرار ندارد؛ به طوری که محاسبات راهبردی آمریکا در منطقه به طور جدی دستخوش تغییر شده و به همین دلیل به نظر می‌رسد آمریکا در حال تغییر شیوه‌ها و راهبردهای اعمال قدرت بازدارندگی خود در این منطقه می‌باشد.

علاوه بر این، برخی شواهد ناظر بر فرضیه مزبور عبارتند از:

۱. بر اساس شاخص‌های قدرت ملی، به نظر می‌رسد آمریکا به دلیل ادامه کسری بودجه، افزایش سطح بدهی‌های ملی، کاهش شاخص‌های اعتماد عمومی، افزایش نرخ بیکاری و ... یک قدرت رو به افول است. تأثیر این مسأله را می‌توان در روند کاهش بودجه بخش‌های نظامی و در نتیجه کاهش میزان آمادگی‌های جنگی آمریکا نیز مشاهده کرد. همچنین، تغییر ادبیات نظامی آمریکا در راهبردهای



نظامی این کشور و تعطیل شدن بخشی از پروژه‌های نظامی آن کاملاً ملموس می‌باشد.

۲. در راهبرد امنیت ملی آمریکا، هنوز منطقه آسیای غربی از اولویت مهم برخوردار است. با این وجود، آمریکا قدرت دخالت مستقیم در بسیاری از پرونده‌های منطقه را از دست داده است.

۳. پس از وقوع بیداری اسلامی در منطقه، خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد تغییر و جابجایی در نقش و جایگاه برخی هم‌پیمانان مهم آمریکا بوده‌ایم و در واقع آمریکا امکان داشتن هم‌پیمانان مطمئن منطقه‌ای را از دست داده است.

۴. آمریکا به دلیل نگرانی از پیامد تحولات منطقه بر امنیت رژیم صهیونیستی، حتی آمادگی و توان تحقق بخشی به اولویت فعال کردن پرونده سازش را ندارد. به عبارت دیگر، آمریکا احساس می‌کند در اوج تنش‌های منطقه‌ای نباید امنیت رژیم صهیونیستی را فدای طرح‌های دیگر کند و ...

۵. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد آمریکا به دلایل «اجبار استراتژیک» مدل جدیدی از بازدارندگی برای تأمین اهداف و منافع خود (رفع تهدید تا کنترل تهدید) تعریف کرده است. ورود به عرصه‌های جدید نظامی از جمله تقویت توان جنگ سایبر، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، ایجاد و توسعه پایگاه‌های دائمی نظامی و ... بخشی از مولفه‌های مهم و مورد توجه آمریکا در راهبردهای جدید نظامی هستند.

کارشناسان امروزه تجربه اخیر تهدید نظامی آمریکا علیه سوریه را شاهد مثال مهمی برای ارزیابی توان بازدارندگی جدید آمریکا در منطقه می‌دانند. در این راستا، با توجه به مدل رفتاری که آمریکا از خود در مسأله سوریه نشان داد مشخص شد که در موقعیت ضعف قرار دارد و به همین دلیل قادر به ایجاد تهدید معتبر نظامی نیست. در واقع، مدل رفتاری آمریکا در سوریه نشان داد اوپاما از درگیر شدن در یک جنگ دیگر خودداری می‌کند.



مفاهیم جدید در شیوه اعمال قدرت بازدارندگی آمریکا عبارتند از: حفظ سیاست ماشه، تهدید معتبر نظامی، پیشروی بدون جنگ، کارکرد جدید اجماع محدود و ... . بنابراین آمریکا ضریب نفوذ امنیتی خود را در منطقه با تعریف شیوه‌های نوین بازدارندگی توسعه می‌دهد.

مطالعه موارد فوق در نسبت با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن است که آمریکا در حال تقویت اعتماد به نفس خود برای اعمال بیشتر قدرت بازدارندگی در منطقه است و به همین دلیل نباید این گونه تصور کرد که در فرایندهای جدید دیپلماتیک این کشور با جمهوری اسلامی ایران، قدرت بازدارندگی نظامی کنار گذاشته خواهد شد. اگر چه به نظر می‌رسد به دلیل نگرانی از تکرار تجربه سوریه، از بکارگیری صریح‌تر ادبیات نظامی خودداری خواهد کرد. ضمن این که مطالعه عمیق‌تر ابعاد تجربه آمریکا در سوریه نشان داد که بر پایه مجموعه‌ای از محدودیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا می‌توان رفتار استراتژیک این کشور را در قبال سایر پدیده‌ها تغییر داد.

## ۲/۲. سناریوهای احتمالی تهدید نظامی

در این راستا، سناریوهای ذیل در دستورکار غرب قرار دارد:

### ۱-۲-۲. گزینه نظامی به عنوان نقطه بلوغ تهدیدات

این گزینه به عنوان یک اقدام طولی در کنار سایر اقدامات آمریکا و غرب در چارچوب یک پروسه انجام خواهد شد. مقدمه این گزینه، اعمال تحریم‌های هوشمند و سپس فلج‌کننده است. بنابراین این گزینه از فوریت برخوردار نیست. به عبارت دیگر، دشمن با انجام اقدامات مرحله‌ای، ممکن است به انتخاب این سناریو برسد.

هدف عملیاتی این سناریو ایجاد تغییر رفتار و در صورت امکان تغییر ساختار



در جمهوری اسلامی ایران است. قرائن و شواهدی که برای این سناریو می‌توان در نظر گرفت عبارتند از:

- شناسایی‌های اطلاعاتی آمریکا از ایران برای کسب آمادگی،
- عدم کاهش نیروهای نظامی آمریکا در منطقه،
- افزایش میزان کیفیت تجهیزات نظامی آمریکا در منطقه،
- اعمال تحریم‌های هوشمند و سپس فلج کننده به عنوان مقدمه اقدام،
- ایجاد موازنه وحشت در مناطق جنوب شرق کشور،
- تلاش غرب برای ارائه چهره‌ای مخرب از ایران در جهان و منطقه، و
- اصل غافلگیری استراتژیک.

## ۲-۲. گزینه نظامی برای حذف اهرم‌های منطقه‌ای ایران

با توجه به این که آمریکا به این نتیجه رسیده هرگونه حمله به ایران با پاسخ جدی و محکم این کشور در سایر عرصه‌ها مواجه خواهد شد، لذا سناریوی حذف اهرم‌های منطقه‌ای ایران در دستور کار جدید قرار دارد.

هدف عملیاتی این سناریو، حمله نظامی به یکی از حلقه‌های جبهه مقاومت است. قرائنی که برای این سناریو وجود دارد عبارتند از:

- مشروط کردن توان نظامی حزب‌الله در لبنان،
- مطرح ساختن دادگاه حریری علیه حزب‌الله،
- از بین بردن توان حماس در فلسطین،
- افزایش اقدامات اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای موثرتر کردن تحریم‌ها علیه ایران،
- فعال کردن فرایند مذاکرات سازش بین دولت خودگردان و رژیم صهیونیستی و،
- تلاش برای جدا کردن سوریه از جبهه مقاومت.



۱۶۰

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲

### ۳-۲-۲. گزینه جنگ پیشگیرانه در بحث هسته‌ای

از سال ۲۰۰۹ آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که مجموعه اهرم‌های آمریکا علیه ایران طیف کاملی نیست. لذا اهرم نظامی باید به عنوان حداقلی از اهرم تأثیرگذار علیه ایران وارد سیاست آمریکا شود. البته، این گزینه از فوریت برخوردار نیست. هدف این سناریو جلوگیری از تداوم توسعه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا، دولت آمریکا اقدامات ذیل را در دستور کار دارد:

- هزینه‌مند کردن دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای،

- ایجاد خرابکاری اطلاعاتی در برنامه هسته‌ای ایران،

- تلاش برای مهار قدرت پاسخ‌گویی ایران،

- همسو شدن رژیم صهیونیستی و آمریکا در ارزیابی تهدید ایران، و

- پررنگ‌تر شدن بسترهای روانی برای اقدام در دوره اوباما.

البته میزان پیشرفت ایران در برنامه هسته‌ای در این سناریو تأثیرگذار است، همچنین عامل مداخله‌گری مانند رژیم صهیونیستی ممکن است این روند را به هم بزند.

### ۳-۲/۳. سناریوهای تهدید غیرنظامی

در راستای این دسته از سناریوها، سناریوهای مختلفی در دستورکار قرار دارد:

#### ۱-۳-۲. تغییر رفتار به منظور تسلیم‌سازی

غرب به دنبال کاهش هزینه‌های نظام سرمایه‌داری است. به عبارت دیگر، تفکر عدم استقبال از جنگ نظامی در کانون اندیشه‌های غرب به صورت جدی مطرح است. در مقابله با ایران، کم هزینه کردن تحرکات غرب و امید به تغییر رفتار این کشور در شرایط جدید با توجه به اعمال تحریم‌ها و درک بهتر از فضای داخلی ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. ضمن این که غرب از نوع واکنش ایران نیز نگران است.



ایجاد تغییر در رفتار مسئولین و رفتار حکومتی از طریق احساس شدید از تهدیدات هدف اصلی این سناریو است و در این راستا، تلاش دارد اقدامات ذیل را به اجرا گذارند:

- اعمال تحریم‌های هوشمند و فلج‌کننده،
- رصد تأثیر تحریم‌ها و هوشمند کردن آنها،
- جلوگیری از تحرک دیپلماتیک ایران،
- ایجاد فشار روانی با به کارگیری اهرم تهدید نظامی، و
- ایجاد فشار روانی بر اساس حرکات تروریستی و نافرمانی مدنی.

## ۲-۳-۲. اصالت داشتن گزینه عملیات روانی

نظر به اینکه در کارنامه اقدامات آمریکا علیه ایران، همه گزینه‌ها تجربه شده است، بر این اساس، یک دیدگاه معتقد است که فشارهای آمریکا علیه ایران از برخی ابعاد خیلی جدید نیست، ضمن اینکه رفتار آمریکا در مقابل ایران بعد از روی کار آمدن اوباما از وضعیت منسجمی برخوردار نیست. همچنین آمریکا در برخورد با ایران با دو مشکل زیر نیز مواجه است:

- داشتن خلاء اطلاعاتی از داخل ایران و
- تناقض در مواجهه با مسایل منطقه‌ای.

بنابراین به نظر می‌رسد در شرایط جدید، عملیات روانی از اهمیت فراوانی برای آمریکا برخوردار شده و اساساً آمریکایی‌ها در این زمینه به جمع‌بندی جدیدی رسیده‌اند.

گزینه اقدام نظامی دور از انتظار است، اما استفاده از اهرم تهدید نظامی برای به نتیجه رساندن عملیات روانی محتمل است. عملیات روانی زمانی به نتیجه می‌رسد که بازوهای کمکی آن به عنوان مکمل‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی عمل نمایند.

هدف این سناریو، ایجاد شکاف و بی‌ثباتی در داخل ایران و متأثر کردن





مسئولین نظام با هدف سلب امکان تصمیم‌گیری صحیح است و در این راستا، اقداماتی که در دستورکار قرار دارد عبارتند از:

- گسترش فضای عملیات‌های تروریستی انتحاری در حوزه جغرافیایی ایران،
- اعمال تحریم‌های فراتر از قطعنامه‌های سازمان ملل،
- تلاش برای کاهش حوزه نفوذ کلام ولایت فقیه در جنگ رسانه‌ای،
- گسترش فعالیت‌های اینترنتی و ماهواره‌ای در مقابل ایران،
- پر کردن خلاء اطلاعاتی آمریکا از جامعه داخلی ایران، و
- تلاش برای تعامل با حکومت ایران.

### ۳-۲. سناریوی تهدیدات ترکیبی

با توجه به اینکه ایران ضریب مقاومت در مقابل تهدیدات پلکانی را دارد، دشمن به دنبال اعمال همه عرصه‌های تهدید به طور یک جا (مقاطع) علیه ایران است. در سناریوی ترکیبی، دشمن در صورت کسب فرصت، اقدام به حمله نظامی هم می‌کند. به همین خاطر نمی‌توان اصل غافلگیری استراتژیک را در این سناریو کنار گذاشت.

هدف این سناریو در وهله نخست، ایجاد تغییر رفتار در ایران و در وهله دوم، فراهم کردن زمینه‌های اعمال تهدید نظامی و تبدیل کردن ایران به هدف آسان است. در این راستا در چند دسته اقداماتی انجام خواهد شد:

#### الف. شاخص‌های اقتصادی

- اعمال تحریم‌های بین‌المللی در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت،
- اعمال تحریم‌های یک جانبه اروپا و آمریکا،
- اعمال تحریم‌های هوشمند و ورود به مرحله تحریم‌های فلج‌کننده،
- اقدامات اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای ممانعت از دور زدن تحریم‌ها توسط ایران،



- رصد تأثیر تحریم‌ها بر ایران،
- انعکاس افزایش نارضایتی‌ها مردم ایران از مشکلات اقتصادی،
- ایجاد تغییر در دیدگاه مردم و مسئولین ایران از طریق تشدید تحریم‌ها.

#### ب. شاخص‌های سیاسی و امنیتی

- ایجاد شکاف درون حاکمیت،
- سست کردن مظاهر مقاومت هوشمندان در ایران،
- محاسبه‌پذیر کردن مسئولین ایران،
- فراهم کردن زمینه‌های تحرک داخلی برای حمایت از حمله نظامی،
- تلاش برای نفوذ در جامعه مدنی ایران،
- نزدیک شدن به جریان‌های معاند نظام، و
- ایجاد و توسعه موازنه وحشت در جنوب شرق کشور از طریق کمک به انجام اقدامات تروریستی.



۱۶۴

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲

#### ج. شاخص‌های رسانه‌ای و عملیات روانی

- نشان دادن تهدید نظامی به ایران از طریق ارسال پیام‌های دیپلماتیک،
- تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری‌های کلان جمهوری اسلامی ایران،
- ناکارآمد نشان دادن برنامه‌های اقتصادی دولت،
- تلاش برای متزلزل کردن روحیه ملی،
- حمله به باورهای ملت مانند شعار «ما می‌توانیم»، و
- محدود کردن گزینه‌های ایران از طریق جنگ رسانه‌ای.

#### د. سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

- ایجاد شکاف در جبهه مقاومت،
- تهی کردن ظرفیت‌های منطقه‌ای ایران،

- جلوگیری از نزدیکی بیشتر عراق به ایران،
- تلاش برای یکدست کردن حاکمیت در افغانستان به وسیله قوم پشتون و مذاکره با طالبان در افغانستان،
- سلب مشروعیت جهانی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای افزایش مشروعیت بین‌المللی برای برخورد با ایران،
- همسویی بیشتر آمریکا و رژیم صهیونیستی، و
- جلوگیری از تحرکات دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران برای تعامل با کشورهای دیگر، و
- سست کردن اراده دولت‌های حامی ایران.

#### هـ شاخص‌های نظامی

- تهدید نظامی ایران به صورت کاملاً عریان و شفاف از سوی مسئولین و مقامات غربی و صهیونیستی،
- حمله به بخشی از جریان مقاومت،
- شناسایی‌های اطلاعاتی هواپیماهای بدون سرنشین از توانمندی‌های ایران برای کسب آمادگی،
- عدم تمایل آمریکا برای کاهش نیروهای نظامی در سطح منطقه،
- تلاش آمریکا برای کاهش آسیب‌پذیری نیروهای نظامی خود در عراق،
- تغییر سطح سلاح‌های استراتژیک و تهاجمی در منطقه،
- ایجاد بازدارندگی موسع در منطقه به منظور مهار قدرت پاسخ ایران،
- تشدید بستر روانی برای برخورد با ایران،
- نزدیک شدن به مرزهای جغرافیایی بین‌المللی ایران،
- هدف گرفتن صادرات و واردات تسلیحات نظامی با صدور و اجرای دقیق قطعنامه‌های تحریمی،



- بهره‌گیری از تجربیات عراق و افغانستان و پرهیز از تکرار اشتباهات گذشته در برابر ایران (پرهیز از تکرار سناریوی جنگ کلاسیک با ایران).  
نتیجه‌ای که از مطالعه سناریوهای احتمالی دشمن می‌توان گرفت ناظر بر این است که اولاً تهدید نظامی در طول سایر عرصه‌های تهدید قرار دارد؛ ثانیاً همه عرصه‌های تهدید کاملاً جنبه عملیاتی به خود گرفته است؛ ثالثاً بسترهای روانی برای اقدام نظامی پررنگ‌تر از قبل طراحی شده و در نهایت، تهدیدات مطرح علیه جمهوری اسلامی ایران وجوه مختلفی پیدا کرده و ابعاد آن پیچیده‌تر شده است. در این راستا، به نظر می‌رسد دشمن حداقل با تمرکز بر شش گزینه تحریم، عملیات اطلاعاتی، تهدید نظامی، مذاکره و دیپلماسی، عملیات روانی و تأثیرگذاری بر محیط داخلی، در مقابل جمهوری اسلامی ایران رفتار می‌کند.



### ۳. عوامل موثر بر بازدارندگی دفاعی ایران

در برابر تهدیداتی که علیه امنیت ملی مطرح است، می‌توان مولفه‌های زیر را برای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت:

۱۶۶

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲

#### ۳/۱. تجربیات دفاع مقدس

یکی از مولفه‌های مهم و گرانبهای جمهوری اسلامی ایران که در شکل دادن به راهبرد بازدارندگی دفاعی جدید کمک شایانی می‌کند، بهره‌گیری از درس‌ها و تجربیات دفاع مقدس است که امروزه به عنوان راهبرد مقاومت هوشمندانه معروف است. برخی مختصات الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس عبارتند از:

#### ۳-۱-۱. اولویت مقابله با تجاوز خارجی

وقتی دشمن خارجی، جنگی تمام عیار را در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ علیه ملت و سرزمین ایران آغاز کرد، اگر چه به نظر می‌رسید مسئولین و مردم به دلیل شرایط

داخلی و قرار گرفتن در فضاهای سیاسی و امنیتی داخلی انتظار چنین جنگی را نداشتند و دقیقاً به همین دلیل ارتش عراق توانست در عرصه زمینی پیشروی‌هایی در خاک ایران داشته باشد؛ اما تفکر مقابله با تجاوز خارجی و اولویت‌بخشی به آن نسبت به سایر مسایل در کشور موجب شد تا هسته‌های اولیه مقاومت نظامی به سرعت شکل بگیرد. نتیجه چنین تفکری موجب شد تا رژیم بعث عراق که اهداف بلند پروازانه‌ای برای اشغال ایران داشت از همان روزهای اول ناکام بماند و از جنبه روانی به شدت تحت تأثیر قدرت پاسخ ملت ایران قرار گرفت.

### ۲-۱-۳. ایمان و اعتقاد به دفاع عاشورایی

از همان روزهای اول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در مورد نحوه مقابله با تجاوز نظامی دشمن دیدگاه‌های مختلفی در داخل کشور وجود داشت. در این میان دو دیدگاه عمده در مقابل هم قرار داشتند: دیدگاه اول متعلق به جریان‌های لیبرال بود که اعتقادی به دفاع نظامی از سرزمین خود نداشتند و عمدتاً طرفدار مسامحه و مصالحه بودند. در مقابل، جریان‌های انقلابی قرار داشتند که با داشتن روحیه انقلابی و اسلامی به تنبیه متجاوز از طریق پاسخ نظامی قایل بودند. البته در این میان برخی دیدگاه‌ها نیز وجود داشت که بوی خیانت و نفاق از آنها بر می‌خواست. اما به هر جهت رویارویی این دیدگاه‌ها در سال اول جنگ موجب شد تا ارتش ایران نتواند به صورت موثر به امر دفاع بپردازد، اما پایه‌گذاری تفکر «دفاع عاشورایی» از همان سال نخست جنگ صورت گرفت. به همین دلیل دشمن در این مقطع زمانی نه تنها متوقف شد، بلکه ملت ایران این فرصت را پیدا کردند تا به بازیابی توان نظامی خود بپردازند.

### ۳-۱-۳. شکل‌گیری دفاع همه جانبه مردمی

کارشناسان بر این باورند یکی از تجربیات گرانمایه‌های دوران دفاع مقدس، شکل‌گیری دفاع همه جانبه مردمی است. بر پایه این راهبرد، جمهوری اسلامی



ایران تلاش کرد تا همه ظرفیت‌های ملی خود را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی وارد صحنه نماید و تنها در این صورت بود که ایران توانست بر مزیت‌های کمی عراق از جنبه تسلیحات نظامی برتری یابد. اما پاسخ به این پرسش مهم است که چرا در آن زمان دفاع همه جانبه مردمی شکل گرفت؟ بدون تردید امروزه برای شکل دادن به تفکر و راهبرد دفاع ملی نیازمند شناخت چگونگی و سازوکارهای این مهم هستیم.

#### ۳-۱-۴. خودباوری ملی

با قاطعیت کامل می‌توان ادعا کرد، آن چه در تعیین سرنوشت نظامی جنگ تحمیلی بسیار موثر بود، روحیه خودباوری ملی بود که همه مسئولین عالی رتبه کشور در آن زمان به آن اعتقاد داشتند. در واقع، خودباوری ملی موجب شد تا جوانان مستعد و باهوش کشور با کم‌ترین ابزار و تجربه، نبوغ فراوانی را در فرماندهی و پیاده‌سازی طرح‌های نظامی به اجرا گذارند. از طرف دیگر، مفهوم «ما می‌توانیم» در این دوران وارد گفتمان جمهوری اسلامی ایران شد. چرا که تحریم‌های اعمالی علیه کشور مانع از تلاش ملت برای دستیابی به فناوری‌های نظامی نشد و حتی در دوران دفاع مقدس پایه‌های محکمی در بومی‌سازی توانمندی‌های نظامی بنا گردید.

#### ۳-۱-۵. پرهیز از غافلگیری استراتژیک

در دوران دفاع مقدس، ملت ایران ثابت کرد بر پایه مفهوم «عقلانیت راهبردی» از هوشیاری کامل در برابر هر گونه غافلگیری استراتژیک برخوردار است. به باور کارشناسان، نقطه اوج این مسأله را باید در تصمیم برای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر مشاهده کرد. در شرایطی که جریان‌های خاص تلاش داشتند این گونه القاء نمایند که با فتح خرمشهر باید پیشنهادات صلح از سوی طرف مقابل را



۱۶۸

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲

پذیرفت، اما به نظر می‌رسد برآورد کلی نظام و حضرت امام(ره) این بوده است که دشمن با دادن پیشنهاد صلح پس از فتح خرمشهر و به دلیل نگرانی از بازیابی توان نظامی ایران، به دنبال فریب تصمیم‌گیران کشور بوده است.

### ۶-۱-۳. دشمن‌شناسی و آینده‌نگری در مورد وضعیت دشمن

در دوران جنگ تحمیلی این باور وجود داشت که رژیم بعث عراق به تنهایی در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار ندارد و جمعی از رقبای دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در این جنگ از مواضع عراق حمایت می‌کنند. نتیجه منطقی چنین درکی این است که عراق تنها ابزاری در دست قدرت‌های دیگر است که این ابزار الزاماً نباید به دست جمهوری اسلامی ایران از بین برود؛ بنابراین همان گونه که حضرت امام(ره) بر اساس اصل مهم «حفظ نظام از اوجب واجبات است» حاضر به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شدند، اما در چشم‌انداز بلند مدت این پیش‌بینی از تجربه رفتاری عراق وجود داشت که رژیم بعث صدام بالاخره در یک مقطعی در تقابل استراتژیک با منافع غرب و حامیان منطقه‌ای‌اش قرار خواهد گرفت و در نهایت کارکرد وجودی خود را از دست خواهد داد.

### ۷-۱-۳. پای‌بندی به آرمان‌ها و ارزش‌ها

در حالی که قطعنامه ۵۹۸ بر پایه اصل مصلحت‌اندیشی توسط حضرت امام(ره) مورد پذیرش قرار گرفت و جنگ ۸ ساله به پایان رسید، تحلیل‌گران و مسئولین غربی این گونه تصور نمودند که نتیجه‌ای را که از تحمیل جنگ عراق به ایران توقع داشتند گرفته‌اند؛ چرا که احساس کردند جمهوری اسلامی ایران در چارچوب منفعت‌طلبی غربی و اندیشه‌های پراگماتیستی تصمیم به پذیرش قطعنامه گرفت و بدین ترتیب پیگیری آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی از دستور کار جمهوری اسلامی خارج شد. اما تحولات پس از جنگ از جمله فتوای حضرت امام(ره) در مورد سلمان رشدی، نشان داد که غرب در محاسبات استراتژیک



خود در مورد ایران دچار اشتباه شده و جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان حاضر به هضم شدن در نظام ناعادلانه جهانی به قیمت کنار گذاشتن ارزش‌ها نیست. در واقع آن چه موجب شد تا حضرت امام(ره) پایان جنگ را بپذیرند، رویکرد واقع‌بینی بود و نه واقع‌گرایی.

### ۳/۲. ژئوپلیتیک

مطالعه عامل ژئوپلیتیک به عنوان یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری سیاست و استراتژی به ویژه استراتژی دفاعی از اواخر قرن نوزدهم به نحو چشمگیری توسعه پیدا کرد. ایولاکوست در این خصوص می‌گوید: «از نظر استراتژی‌هایی که در جنگ‌های از منته گذشته به کار بسته می‌شد، ژئوپلیتیک به آن استدلالی اطلاق می‌شد که هدفش شکست دادن دشمن - با توجه به موقعیت و امکاناتی که در اختیار هست- و اثبات این مدعا به جهانیان و یا دست کم به خویش است که حق با آنها بوده است» (ایولاکوست، ۱۳۶۸: ۷).

ایران از موقعیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای برخوردار است. این موقعیت همواره عاملی تعیین‌کننده در مسایل دفاعی و امنیتی کشور در سطح ملی بوده است؛ به طوری که در مقاطعی به عنوان فرصت و گاه در قالب تهدید عمل نموده است (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۸۵).

عدم درک و فهم دقیق ابعاد موقعیت ژئوپلیتیک و عوامل موثر بر این موقعیت از سوی حاکمان ایران در گذشته موجب شده نه تنها این عامل به عنوان فرصت مورد استفاده قرار نگیرد، بلکه خسارات و لطمات جبران‌ناپذیری بر کشور وارد شود که نقطه اوج آن را می‌توان در خدشه‌دار شدن تمامیت سرزمینی کشور در مقاطعی از تاریخ ذکر کرد.

ایران به لحاظ ویژگی‌ها، امتیازات و فرصت‌های ژئوپلیتیکی از موقعیت خاصی برخوردار است؛ به طوری که در رویارویی با سایر کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تأمین اهداف و منافع ملی خود، قادر است با بهره‌گیری



۱۷۰

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲



مناسب از موقعیت ژئوپلیتیک، استراتژی دفاعی پایداری را تدوین و اعمال نماید.

### ۳/۳. سابقه جنگ‌های اخیر و بهره‌گیری از درس‌های آنها

در راستای ایجاد بازدارندگی برای جمهوری اسلامی ایران توجه به ماهیت و سرنوشت جنگ‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و بهره‌گیری از درس‌های آنها می‌تواند بسیار مهم باشد.

#### ۳-۳-۱. عملیات طوفان صحرا

عملیات طوفان صحرا (جنگ خلیج فارس) در سال ۱۹۹۱ میلادی با هدف بازپس‌گیری کویت و از کار انداختن ماشین جنگی عراق انجام شد. تجهیزاتی که توسط آمریکا و متحدانش بکار گرفته شد شامل ۲۶۱۴ فروند هواپیما و ۱۶۷ فروند انواع شناور بود. شناورها شامل ۶ ناو هواپیما بر، ۵ زیردریایی، ۶۴ ناو جنگی، ۳۴ هاورکرافت، ۴ مین روب و ۵۴ ناو پشتیبانی بود. روش عملیاتی آمریکا عبارت بود از ۱. حمله به منطقه راهبردی، ۲. تضعیف سامانه‌های دفاع هوایی، و ۳. حمله به ارتش عراق در کویت. در این راستا، جنگ با عملیات هوایی و هجوم ۴۰۰ هواپیمای شکاری و شلیک بیش از ۱۰۰ فروند موشک کروز به داخل خاک عراق شروع شد. مجموعاً ۶۶۸ هواپیما در شب نخست با حدود ۱۳۰۰ سورتی پرواز بکار گرفته شد و طی آن کلیه ایستگاه‌های زمینی نیروی هوایی عراق مورد اصابت قرار گرفت. ۲۸ نیروگاه برق منهدم شد و کلیه نقاط حساس و کلیدی داخل بغداد هدف حمله قرار گرفت (اکبری، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۳).

#### ۳-۳-۲. جنگ کوزوو

عملیات نظامی ناتو علیه صرب‌ها با محوریت آمریکا در مارس ۱۹۹۹ میلادی صورت گرفت. روش‌های عملیاتی مورد استفاده در این جنگ عبارت بود از:



۱. کسب برتری هوایی، ۲. نابودی توانمندی‌های نظامی یوگسلاوی در کوزوو، ۳. حمله به اهداف راهبردی غیرنظامی، ۴. توسعه حملات به کلیه تأسیسات اقتصادی و نظامی در تمام خاک آن کشور، و ۵. حمله زمینی که به دلیل تسلیم شدن بلغراد این مرحله انجام نشد. نکته قابل توجه در این جنگ، بکارگیری سلاح‌های جدید و مهمات هوشمند علاوه بر مهمات متعارف بود. از هواپیماهای بدون سرنشین به طور بی سابقه‌ای در این جنگ استفاده شد. از خصوصیات بارز این جنگ، تأکید بر جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی، تکیه بر سلاح‌ها و تجهیزات هوشمند پیشرفته و دقیق، تأکید بر جنگ الکترونیک پیشرفته، گسترش عرصه جنگ به فضا، کوتاه کردن زمان جنگ، تأکید بر انهدام زیرساخت‌های حیاتی و حساس و ... نیز بود (همان: ۳۰-۳۴).

### ۳-۳-۳. جنگ افغانستان

این جنگ با شعار مقابله با تروریسم در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ حدود یک ماه پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، در افغانستان آغاز شد. کشور مورد تهاجم، یک کشور بسیار فقیر و بدون هیچ گونه زیرساخت قابل توجه بود که مردم آن به شرایط سخت عادت داشته و سال‌ها درگیر جنگ بودند. لذا سرنگونی حکومت طالبان، از طریق حملات نظامی به دلیل وجود اهداف راهبردی و جنگ روانی ممکن نبود و بدون مشارکت موثر مجاهدین افغان، پیروزی دور از دسترس می‌نمود.

### ۳-۳-۴. جنگ عراق

این جنگ در سال ۲۰۰۳ میلادی با هدف سرنگونی حکومت صدام شروع شد و در عرض کمتر از ۳ هفته ارتش عراق تسلیم و صدام سقوط کرد. از ویژگی‌های این جنگ، عملیات گسترده جنگ روانی بود که به خوبی بکار گرفته شد. به

طوری که بیش از ۴۳ میلیون اعلامیه قبل و طی جنگ بر فراز شهرهای عراق توسط متحدین ریخته شد. شیوه‌های حمله نیز عبارت بود از: ۱. عملیات سنگین جنگ روانی، ۲. بمباران سنگین هوایی عراق، ۳. اشغال جنوب، غرب و شمال عراق، و ۴. قطع ارتباط بغداد با سایر نقاط. (همان: ۳۶-۴۰)

### ۳-۵. جنگ سوریه

اگر چه از ابتدای آغاز بحران در سوریه این گونه به نظر می‌رسید که مخالفان حکومت سوریه در اولویت اول به دنبال سقوط حکومت اسد هستند، اما بنا به دلایلی از جمله مقاومت ارکان حاکمیتی سوریه، اراده حامیان خارجی اسد در حمایت از وی، عدم اجماع مخالفین خارجی اسد در مورد آینده حضور گروه‌های تروریستی در داخل سوریه و در نهایت افزایش محبوبیت ملی اسد، این آرزو محقق نشد و با طولانی شدن جنگ داخلی در سوریه، اکنون به نظر می‌رسد دشمنان اسد در صدد بهره‌برداری و تولید فرصت از ایجاد جنگ فرسایشی در سوریه در ابعاد مختلف هستند. کارشناسان معتقدند، تجربه جنگ در سوریه از ابعاد مختلفی برای جمهوری اسلامی ایران دربردارنده درس‌ها و آموزه‌های راهبردی (سیاسی، امنیتی و نظامی) است که شناخت آن نیازمند واکاوی تحولات این بحران طی ۳ سال گذشته می‌باشد. ضمن این که با توجه به ماهیت و اهداف نهایی دشمنان از جنگ در سوریه که از ابتدا کلید خورده، سناریوی موجود یک آزمون جدی برای جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت نیز بوده و خواهد بود از این رو، در این مبحث تلاش می‌کنیم بیشتر این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم.

یکی از تحولات مهم بحران سوریه طرح حمله نظامی آمریکا به سوریه به بهانه استفاده ارتش سوریه از سلاح‌های شیمیایی در شهریورماه ۱۳۹۲ بود که اگر چه محقق نشد اما مسایل مربوط به آن را به دلیل اهمیت مورد واکاوی قرار می‌دهیم.



نخست این که در مورد سناریوهای قابل بحث و مورد توجه آمریکا ۲ فرضیه راهبردی زیر در همان زمان مطرح گردید:

الف. فرضیه نخست بر این امر تأکید داشت که آمریکا در ابتدا تصمیم به حمله داشت، اما در مسیر فراهم کردن مقدمات آن با مشکل مواجه شد. در این راستا، مشکلات آمریکا در چند سطح مورد توجه قرار می‌گیرد: از عدم همراهی هم پیمانان بین‌المللی تا مشاهده مواضع جدی سوریه و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش در پاسخ به هر گونه تجاوز نظامی.

ب. فرضیه دوم، مبنی بر این که آمریکا از ابتدا قصد عملیات نظامی حتی به شکل محدود نداشت و صرفاً با هدف آزمون شرایط منطقه و در دست گرفتن مدیریت تحولات منطقه از طریق پر رنگ‌تر کردن نقش خود، بر کاربرد گزینه نظامی (تنها اهرم فشار آمریکا در شرایط موجود) اصرار می‌کند. در این راستا آمریکا تلاش کرد از طریق تمرکز بر محورهایی چون انجام تحرکات و جابجایی‌های نظامی، ادعای در اختیار داشتن فناوری‌های نظامی برای زدن اهداف دقیق، تأکید بر مسئولیت دولت اسد در استفاده از سلاح شیمیایی، معرفی کردن حمله به عنوان ضرورت امنیت ملی آمریکا، تأکید بر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و هماهنگی با متحدین منطقه‌ای و ... حمله نظامی به سوریه را جدی معرفی نماید. گارد جنگی آمریکا بسیار جدی به نظر می‌رسید و نمی‌توان آن را تنها در چارچوب نمایش قدرت توصیف و ارزیابی کرد. به عبارت دیگر، شواهد و قرائن لازم برای اثبات سناریوی حمله به اندازه کافی وجود داشت و بدین ترتیب عدم رخداد جنگ را باید در مسایل دیگر جستجو کرد.

اما در شرایطی که سناریوی جنگ خارجی علیه سوریه در آن به سر می‌برد، یکی از نکات قابل توجه و ضروری این بود که «اهداف حمله» را از «اهداف تهدید» باید متمایز کرد؛ چرا که بر اساس آن چه در رسانه‌ها منتشر می‌شد، تمرکز زیادی روی «اهداف حمله» وجود داشت؛ بدین معنی که حمله احتمالی در سطح محدود مفروض گرفته می‌شد و بدین ترتیب در مورد چگونگی انجام



۱۷۴

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲

آن و اهداف مورد نظر گمانه‌زنی صورت می‌گرفت. توجه این گمانه‌ها متمرکز بر مواضع اعلامی مقامات آمریکایی و هم چنین سابقه جنگ‌های گذشته آمریکا در منطقه بود و در این راستا، اهداف سیاسی و نظامی برای چنین جنگی در نظر گرفته شده بود:

- در سطح سیاسی، مسأله حفظ آبرو و پرستیژ بین‌المللی آمریکا و دستیابی به موضع برتر برای مذاکرات ژنو ۲ مد نظر بود،

- در سطح نظامی، برگرداندن توازن قوا در صحنه میدانی به نفع گروه‌های معارضه و جلوگیری از تداوم موفقیت‌های دولت اسد مطرح بود.

در این راستا، مقرر شده بود در ساعت‌های نخست حمله، از طریق موشک‌های کروز برخی اهداف نظامی و غیرنظامی، مراکز حکومتی اعم از سیاسی و نظامی و تأسیسات حیاتی و ارتباطاتی مورد اصابت قرار بگیرد و در صورت تلاش سوریه برای پاسخ، سامانه‌های پدافندی آن نیز هدف قرار می‌گرفت. البته سناریوی دیگری نیز در این زمینه مطرح بود مبنی بر این که هم زمان با انجام حملات موشکی، گروه‌های معارض سوریه با بازیابی موقعیت‌شان، تلاش کنند یک نقطه جغرافیایی را با هدف کسب مشروعیت بیشتر برای آینده در اختیار بگیرند.

همان‌گونه که گفته شد بحث گزینه نظامی آمریکا علیه سوریه متمرکز بر اهداف راهبردی‌تری نیز بود که می‌توان از آن به عنوان «اهداف تهدید» یاد کرد. عمده‌ترین اهداف چنین تهدیدی را می‌توان در محورهایی چون: شناسایی توانمندی‌های نظامی و موشکی سوریه؛ شناسایی عکس‌العمل سوریه؛ شناسایی و سنجش میزان آمادگی حامیان سوریه؛ ایجاد انفعال در جبهه مقاومت؛ و برآورد دقیق از پیامدهای جنگ احتمالی جستجو کرد.

در واقع راهبرد عملیات روانی آمریکا در طرح حمله نظامی به سوریه بر پایه راهبرد «تولید وحشت» استوار بود و این راهبرد را در ۲ سطح شکل داد:

- سطح کوتاه مدت: که به بالا رفتن ضریب موفقیت عملیات نظامی کمک

می‌کرد، و



- سطح بلند مدت: که اجرای عملیات‌های پوششی و گمراه کننده را شامل می‌شد.

در رابطه با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز به نظر می‌رسد از ابتدای طرح حمله نظامی به سوریه، یکی از اهداف اصلی آمریکا تأثیرگذاری بر گزینه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران بود و در این راستا، ۲ هدف عمده زیر را نیز دنبال می‌کرد:

الف) تأثیرگذاری بر واکنش احتمالی ایران از طریق اجرای عملیات روانی در محورهای زیر:

- طرح جنگ محدود با هدف کنترل واکنش ایران،

- معرفی دوگانگی در مواضع مقامات عالی ایران،

- نسبت دادن مقاومت ایران در سوریه با شرایط داخلی ایران.

ب) نشان دادن دورنمای جنگ و تهدید به ایران از طریق:

- تأکید بر این که جنگ با سوریه دارای پیام‌های جدی برای ایران است،

- جنگ در سوریه با هدف شکستن عناصر پیوند راهبردی مقاومت صورت

می‌گیرد، و

- جنگ در سوریه مقابله با توسعه‌طلبی‌های ایران در منطقه است.

## نتیجه‌گیری

تهدیدهای نظامی دشمنان جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی از کیفیت متفاوتی نسبت به گذشته برخوردار شده است. بنابراین به همان میزان نیز نحوه پاسخ‌گویی به تهدیدات از سوی جمهوری اسلامی ایران متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر، بازدارندگی دفاعی جدید ایران را باید نوعی پاسخ‌های جدید به تهدیدهای جدید قلمداد کرد. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تهدیدهای جدید را تغییر در ماهیت جنگ‌ها دانست؛ بدین معنی که امروزه به نظر می‌رسد مفهوم جنگ دچار تغییرات اساسی شده است. در این راستا، توجه به ابعاد و



۱۷۶

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲

ویژگی‌های جنگ‌های اخیر که در منطقه به وقوع پیوسته بیانگر تغییر در ماهیت جنگ‌هاست. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با رعایت ملاحظه تغییر در ماهیت جنگ‌ها در صدد است به دشمنان خود بفهماند که اجازه تحمیل شرایط غافل‌گیری از سوی دشمن را نخواهد داد.

در مقابل، ایالات متحده آمریکا در گزینه تهدید نظامی علیه ایران با یک تناقض مواجه است:

از یک طرف تمایل دارد با جدی نشان دادن گزینه نظامی، محاسبات راهبردی رهبران ایران را دچار تغییر کند. از طرف دیگر، گزینه نظامی را بر خلاف اهداف راهبردی خود می‌داند. چراکه این گزینه، اجماع ملی در داخل ایران را به شدت تقویت می‌کند.

بنابراین به نظر می‌رسد این کشور تا زمان بلوغ یافتن شکاف مردم و حاکمیت در داخل ایران از این گزینه استفاده نخواهد کرد. البته با ورود به عرصه‌های جدید جنگی مانند جنگ سایبر با هدف ایجاد اختلال در شبکه‌های رایانه‌ای و سامانه‌های ارتباطی که به شکل مستقیم با مسایل اجتماعی و اقتصادی جامعه در ارتباط است، موجب تقویت نگرانی‌های اجتماعی داخل ایران خواهد شد.

بر اساس این تهدیدات، عناصر و مولفه‌های بازدارندگی دفاعی جدید جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در قالب موارد ذیل برشمرد:

- برآورد تهدید در بدترین حالت،
- تأکید بر راهبرد دفاعی همه جانبه مردمی،
- استفاده از توانمندی‌های تسلیحاتی پیشرفته،
- بکارگیری قدرت هوافضا،
- تولید الگوهای بومی عملیاتی،
- تولید قدرت در محیط آسیب‌های دشمن،
- تأکید بر محاسبه‌ناپذیری ایران در پاسخ‌گویی به هرگونه اقدام،



- انتقال این پیام به دشمن که هرگونه حمله یا تحرک علیه ایران موجب پاسخ محکم و جدی ایران خواهد شد،  
- تأکید بر حفظ و تعمیق حوزه نفوذ منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری جدی‌تر در این زمینه،  
- تأکید جمهوری اسلامی ایران بر استراتژی تهاجمی در منطقه خلیج فارس،  
- توجه به ملاحظه عملیات روانی و مدیریت افکار عمومی داخل به نحوی که راهبرد مقاومت هوشمندانه دچار خدشه نشود و جلوگیری از انتقال نقاط ضعف خودی از داخل به بیرون.



۱۷۸

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲



## منابع

- اکبری، عباس (۱۳۸۵) *پدافند غیر عامل؛ آشنایی با اقدامات کشورها*، تهران: قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص).
- اکبری، عباس (۱۳۸۹) *پدافند غیر عامل در برخی جنگ های گذشته و اخیر*، تهران: قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص).
- امینیان، بهادر (۱۳۷۹) *جنگ آینده در ادبیات استراتژیک آمریکا، مجله سیاست دفاعی*، سال هشتم، شماره ۴، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع).
- ایولاکست (۱۳۶۷)، *جغرافیا نخست در خدمت جنگ*، مترجم: محمد حسین پاپلی یزدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- آنکر، کلینتون و دی بورک، مایکل (۱۳۸۳) *دکترین نبرد ناهمگون*، مترجم: سیاوش دانیالی، *ماهنامه امنیت و خلیج فارس*، سال پنجم، ش ۴۲، تهران: ندسا.
- بوفر، آندره (۱۳۶۳) *مقدمه‌ای بر استراتژی*، مترجم: مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- بیلیس، جان و دیگران (۱۳۸۲) *استراتژی در جهان معاصر*، مترجم: کابک خبیری، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۱) *مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- دانیالی، سیاوش (۱۳۸۸). *نبرد ناهمگون، فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هفتم، ش ۲۴، بهار ۱۳۸۸، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۰) *جنگ آینده، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*، سال هشتم، ش ۲۹، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.



رامسفیلد، دونالد اچ. (۱۳۸۱). *دگرگونی نظامی*، مترجم: علی پورقلی، *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*، سال نهم، ش ۳۰، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.

زه‌دی، یعقوب (۱۳۸۳) *راهبرد دفاعی و سیر تحول آن در جمهوری اسلامی ایران؛ فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دوم، ش ۴، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

زهرانی، مصطفی (۱۳۸۴) *بررسی نظریه پایان جنگ، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق نگین ایران*، سال سوم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۴، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

سلامی، حسین (۱۳۸۳) *مقاله جنگ‌های آینده، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

صائبی، محمد (۱۳۷۶) *مدیریت استراتژیک*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

کالینز، جان ام (۱۳۷۳) *استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)*، مترجم: کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۰) *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، فصلنامه سیاست خارجی*، سال پانزدهم، ش ۴، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کریمی مله، علی و دیگران (۱۳۸۹)، *مقاله تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۳، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نوروزی، محمد تقی (۱۳۸۵)، *فرهنگ دفاعی، امنیتی*، تهران: انتشارات سنا.



۱۸۰

سال دوم  
شماره ۷  
پائیز ۱۳۹۲

Lewis, Adrian R. (2007) **The American Culture of War**, London and New York: Routledge.

Buley, Bengamin (2008) **The New American Way of War**, London and New York: Rutledge.

Toft, Ivan Arreguin.(2005). **How the Weak Win Wars**, Cambridge University Press.

Duyvesteyn, Isabelle and Angstrom, Jan (eds).(2005). **Rethinking the Nature of War**, New York: Frank Cass.

S.Nye , Joseph (2004) **Soft Power: The Means to Succes in World Politics**, New York: Public Affairs.